

فرهنگی و تاریخی از دوشنبه،

بخارا، سمرقند و... (۴)

تاریخ تاجیکان جهان

عنوان کتابی ارزشمند است، تألیف تاریخ نگار ممتاز تاجیک، استاد دانشگاه ملی تاجیکستان، پروفیسور منصر باباخائف، که انتشارات «معارف» در دوشنبه شهر، در ۴۷۵ صفحه، به تعداد یک هزار جلد، سال ۱۹۹۹ چاپ و نشر کرده است.

تاجیکان که از نژاد آریایی، و تبار ایرانی هستند، قدیم‌ترین ساکنان بومی آسیای مرکزی بشمار می‌آیند، اهالی اساسی تاجیکستان و افغانستان را تشکیل می‌دهند، همچنین در خراسان ایران، ازبکستان، پاکستان، قرغیزستان، قزاقستان، ناحیه سین کیانگ چین بسر می‌برند. این رقم جلب توجه می‌کند که امروز «تعداد تاجیکان خارج از تاجیکستان نسبت به تاجیکان جمهوری تاجیکستان تقریباً شش بار بیشتر می‌باشند» (ص ۸).

نیاکان تاجیکان امروزه را «عنصرهای قومی فارسی زبانان، سفدیان (وادی زرافشان، واحه قشقه دریا، حوزه میانه سیر دریا)، باختری‌ها و تخاری‌ها (حوزه بالا و ما بین آمودریا)، خوارزمی‌ها (حوزه پایان آمودریا)، فرغانگی‌ها (وادی فرغانه)، مرغانیان و پارت‌ها (حوزه مرغاب، نشیبی‌های شمالی و جنوبی کوه‌های خراسان)، اینچنین یک قطار قبیله‌های سکایی دشت‌های آسیای میانه و ناحیه‌های کوهسار تیان شان، آلائی و پامیر تشکیل داده‌اند. همه این خلقت‌ها با زبان ایرانی قدیم که به زبان تاجیکی نزدیک است، حرف می‌زدند. از جهت آن تروپولوژی به نژاد اروپایی تعلق داشتند» (ص ۵۴).

مؤلف کتاب، گفته‌های فراوانی را در مورد معنی واژه «تاجیک» بررسی می‌کند و به نتیجه‌ای دست می‌یابد که علامه صدر الدین عینی بخارایی نوشته بود: «تاجیک» - را از واژه «تاج» ساخته‌اند؛ «وقتی خواستند که کلمه «تاج» - را برای یک خلق فارسی زبان با مدنیت، اسم خاص کنند، در آخرش «ک» اسمی را همراه کرده، «تاجیک» گفتند» (ص ۵۸).

آسیای مرکزی از مدت‌ها پیش، اروپائیان را به خود جذب کرده بود. در قرون ۱۹۱۸ م بسیار سیاحان روس هم، با اهدافی گوناگون، مسافرت‌ها انجام دادند، شهر به شهر و روستا به روستا گشتند، با مردمان از نزدیک آشنا شدند و نوشته‌هایی از خود باقی گذاشتند که بخشی به چاپ هم رسیده. بسیاری از این سیاحان، این حقیقت را مورد تأکید قرار داده‌اند که تاجیکان، قدیم‌ترین ساکنان بومی این سرزمین هستند و دارای ویژگی‌های مثبت فرهنگی می‌باشند. چنانچه ن. و. خانیکف^۱ پ. ی. لیرخ^۲، الف. کون^۳، و. پ. نالفکن^۴، الف. گرتنر^۵، الف. د. گربنکن^۶، ش. الف. روبرت^۷، الف. و. بنیاکوفسکی^۸، و... روی همین معنی تأکید کرده‌اند (ص ۶۰ - ۶۲).

ی. ک. مثن دورف^۹، پژوهشگر و دیپلمات روسی که در آغاز سده نوزدهم میلادی از امارت بخارا دیدن به عمل آورده است، نوشته: مردم بخارا از دو گروه عبارت‌اند: یکی - فاتح، دیگری - مغلوب؛ اولی - ازبکها، دومی - تاجیکان. و این آخرین، خود را قدیم‌ترین خلقی این کشور می‌دانند، و احتمال می‌رود که برآمدشان از سغدیان باشد (ص ۶۱ - ۶۲). م. س. آندری یف^{۱۰}، قدیم‌ترین ساکنان بما معلوم آسیای میانه دانسته است (ص ۶۲). بنابر پژوهشهای م. ایلفنستون^{۱۱}، تاجیکان در بخش‌های شمالی پاکستان و هندوستان نیز ساکنان بومی بشمار می‌آیند (ص ۶۲). به گفته همین پژوهشگران، همه اهالی سستان و بخش بیشتر بلوچستان را تاجیکان تشکیل می‌دهند (ص ۶۲). دانشمند آلمانی پیرتی^{۱۲} (قرن ۱۹ م) نوشته است: «فارس‌ها یا تاجیکان (چنانکه ایشان خویش را می‌حسابند) - خلقی در آسیا زیاد گسترش یافته می‌باشند. آنها در دامنه کوه‌های ایران تا دریای گنگ سکونت دارند، آنان را حتی در توران و قسمت غربی آسیای بالا دوچار آمدن ممکن است. آنها در روسیه و سبیر با ششگاه بنیاد کرده‌اند.

1 - N. V. Khanirk - ov.

2 - P. I. Lerkhh.

3 - A. A. Kun.

4 - V. P. Nalivkin.

5 - A. Gertnher.

6 - A. D. Grebenk in

7 - Sh. A. Robert.

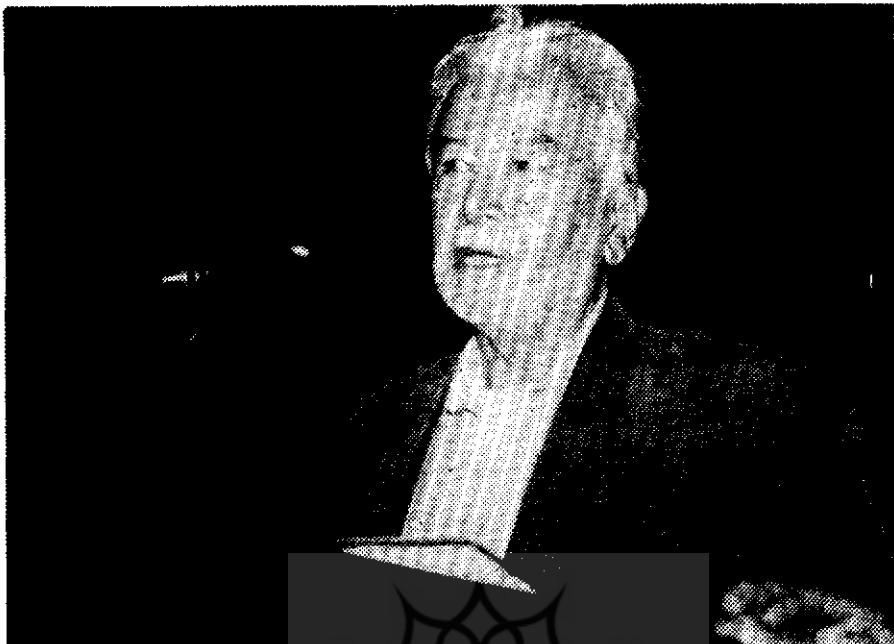
8 - A. V. Bunyakovsrk iy.

9 - E. V. Meyendorf.

10 - M. S. Andreev.

11 - M. Elfinston.

12 - Perti.



● پروفیسور مسلمانیان قبادیانی

تاجیکان مسکون ایران معاصر میانه قد، سفید پوست بوده، عقل تیز و گیرا دارند. آنها مؤدب‌اند، ولی بر اثر تابعیت به حکومت مستبد در طیتشان نشانه‌های دروغ‌گویی، تملق‌کاری و ایاری پدید آمده است» (ص ۶۳). دانشمند دیگر روس الف. الف. سیمیئف^۱ سال ۱۹۱۱ نوشته بود: «تاجیکان جنگ‌جوی نیستند. آنها که از قدیم برای زندگی آسایشته آفریده شده‌اند، به زراعت کاری، تجارت و صناعت میل دارند. همه آبادی کشور، نمود گل‌گونی آن، صحراهای خرم؛ بهترین باغات محصول دست ایشان می‌باشند» (ص ۶۵).

ارمنی وامبری^۲، مردم شناس مجاری که در نیمه دوم سده ۱۹ م، در قیافه درویش، مسافرتی در آسیای میانه انجام داده است، از جمله می‌نویسد: «تاجیکان در دوره قدیم‌ترین اکثریت تام اهالی را تشکیل نموده، از حکومت‌داری محروم شده باشند هم، نسبت به حکمرانان خود نقش مدنیت پروری را دوام می‌دهند. در عصرهای اول قبول دین اسلام در ساحة دانش‌های دینی و فلسفی پیش از همه تاجیکان فرق می‌کردند. حالا هم در بخارا، خوقند و کاشغر ملاحای مشهور و ایشان‌های همه‌دان تاجیکانند. در دربار بخارا، اگر چندی خان از یک است، وزی‌های اول و منصب داران عالی تنها در دست تاجیکان است، تا حتی در خانی‌گری وحشی از یکی خیره مهتر

دبیر دولتی)، یعنی عمل‌داری که باید عقل رسا داشته باشد، تنها از بین اهالی فارسی زبان انتخاب کرده می‌شود (ص ۶۶).

پژوهشگران بسیاری، ویژگی‌های فطری تاجیکان را - مانند فرهنگ پروری، میهمان دوستی، زحمت‌کشی، سخت‌جانی، و... به قلم داده‌اند. به عنوان مثال توجه شود که م. س. آندری یف چه نوشته: «قدیم‌ترین ساکنان به ما معلوم آسیای میانه - تاجیکان، حتی پس از تاخت و تاز اردوهای غاصب بیگانه که در بسیار جای‌های آسیای میانه عنصرهای ایرانی را از میان برده و یا در هیأت خود آمیخته‌اند، و یا به کوه‌ها تنگشان کرده‌اند، تا حال در آسیای میانه میدان وسیعی را اشغال می‌نمایند» (ص ۶۸).

در بخش دیگری از کتاب استاد باباخانف دولت‌های قرن ۵/۱۱ تا نیمه اول ۸/۱۴ و موضوع سرنوشت تاجیکان بررسی شده است. حکومت‌های غزنویان (ص ۷۱ - ۷۴)، سلجوقیان (۷۴ - ۷۸)، قراخانی و خوارزم شاهی و مغول‌ها (۷۸ - ۸۳) در زمینه پژوهش‌های موجوده، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

در مطبوعات، گاهی به این مبالغه راه داده می‌شد (شاید به خاطر بزرگداشت دولت شوروی) که تاجیکان از زمان سامانیان تا انقلاب بلشویک‌ها، از دولتداری محروم بودند. دکتر باباخانف در این کتاب خود، درباره دولت‌های تاجیکان - چنانچه غوری‌ها (۸۳ - ۸۷) و سرداران (۸۹ - ۹۲) به طور جداگانه سخن رانده، به بیان شرایط پیدایش و علت‌های سقوط آنها پرداخته است.

«نقش تیمور و تیموریان در حیات تاجیکان» (ص ۹۲ - ۹۷) - بخش جداگانه‌ای در کتاب مورد نظر می‌باشد. نتیجه تحقیق پروفیسور که تکیه بر پژوهش‌هایی دارد، این است: اقدام‌های این شخصیت تاریخی، از جمله آبادی سمرقند، توجه به علم و فرهنگ، «عاقبت‌های منفی سلطنت تیمور را روی پوش کرده نمی‌توانند، تیمور در تاریخ بشر، چون سلطان بزرگ، ولی ظالم، خون خوار و غارت‌گر نقش بسته است» (ص ۹۷).

«تاجیکان در عصرهای ۱۶ م - نیمه یکم عصر ۱۸ م (ص ۹۷ - ۱۰۵)، نیمه دوم قرن ۱۸ م تا نیمه اول سده ۱۹ م (۱۰۵ - ۱۰۹)، نیمه دوم سده ۱۹ م و ابتدای قرن ۲۰ م (۱۰۹ - ۱۱۴) از بخش‌های دیگر این کتاب می‌باشند.

انقلاب اکتبر و نقش آن در سرنوشت تاجیکان (۱۱۴ - ۱۲۳) - بخش دیگر از این کتاب است. این جا درباره حسن و قبح نظام دولت شوروی سخن رفته و از جمله آمده است: «درباره استقلالیت، صاحب اختیاری جمهوری هم به واسطه رادیو و مجله‌ها و غیره منتظم صحبت‌ها انتشار می‌یافتند. البته، نشان‌های دولت صاحب استقلال را تاجیکستان داشت: پرچم، سرود دولتی، نشان، ولی با وجود این همه، تاجیکستان بدون اجازت مسکو هم در سیاست داخلی،

МАНСУР БОБОХОНОВ

ТАЪРИХИ ТОҶИКони ҶАҶОН

Душанбе
МАОРИФ
1999

هم خارجی مستقلانه هیچ کاری کرده نمی توانست» (ص ۱۲۲).

فرارِ تاجیکان از خانه و کاشانه خود، در طول تاریخ، سببها و عاقبت‌های آن - از موضوعات مهمی بشمار می‌آید، و استاد باباخائف نیز به آن توجهی شایسته ظاهر نموده است. مراحل فرارِ گروهی تاجیکان را، مؤلف دوره‌بندی هم کرده است. بنابر ویژگی‌هایی که مؤلف آنها را برشمرده است، دو دوره تام را تشخیص داده، دوره نخست را به ۵ مرحله جدا کرده است، بدین ترتیب:

- ۱ - از حمله اعراب تا سده دهم میلادی،
 - ۲ - از پایان سده دهم میلادی (سقوط دولت سامانیان) تا ابتدای قرن ۱۳ م؛
 - ۳ - از حمله مغول تا سال‌های هفتادم قرن ۱۴ م؛
 - ۴ - از نیمه دوم قرن ۱۵ م تا پایان سده ۱۸ م؛
 - ۵ - از پایان سده ۱۸ م تا سال‌های شصتم قرن ۱۹ م.
- دوره نونین، یا خود دوره دوم فرارِ تاجیکان، بنابر تحقیق دکتر باباخائف، سه مرحله را در بر می‌گیرد:

۱ - از سال ۱۹۱۸ تا سال‌های سی‌ام میلادی. (تنها در سال‌های بیستم و تنها به افغانستان ۲۰۵ هزار تاجیک پناه برده است)؛

۲- از سال ۱۹۴۱ م تا ۱۹۵۰ م

۳- نیمه یکم دهه سال‌های نودم میلادی.

بنابر آمار وزارت شغل اهالی تاجیکستان، در حادثه اخیر (جنگ تحمیلی) ۲۱۵۷۸ خانه بتمام و ۱۳۹۷۵ خانه قسماً خراب گردیده است (ص ۱۲۹)

بخش مهمی از تحقیقات استاد باباخائف را موضوع جغرافیای سکونت تاجیکان تشکیل داده است. بنابر یافته‌های پژوهشگر، امروز در خاک ازبکستان، طبق خلاصه تاریخ شناس، دکتر نماز حاتم وف که خود فرزند بخاراست، حدود هشت تا نه میلیون تاجیک (در وطن تاریخی خود) زندگی می‌کند (ص ۱۵۲ - ۱۵۳). در جمهوری قرغیزستان، بنابر اخبار پروفیسور رحیم جانف، هشتاد هزار تاجیکان بومی و چهل هزار تاجیکان فراری بسر می‌برند (ص ۱۶۴). همین طور، در ترکمنستان، قزاقستان، روسیه نیز تاجیکان زندگی می‌کنند - بخشی بومی، بخشی دیگر هم در حال فراری.

در بخش‌های بعد کتاب، اخبار درباره تاجیکان افغانستان و ایران و هندوستان و پاکستان و چین و کشورهای عربی، اروپا، آمریکا، اسرائیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

«در راه‌های وحدت» (ص ۴۱۱ - ۴۱۸) - بخش پایانی این کتاب است. و آن با این آمار به پایان می‌رسد: طبق پرسشی که آقای نورعلی نورعلی یف، کارشناس پژوهشگاه جامعه‌شناسی روسیه، انجام داده است، ۳۹ درصد فراریان تاجیک دارای تحصیلات عالی و کارشناسی دارند، در سال تحصیل ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ تعداد دانش آموزان ۶۸/۲ هزار نفر افزوده، و اما تعداد معلمان ۶/۴ هزار نفر از سال پیش، کم شده است. «تصور کردن دشوار نیست که این همه چه عاقبت‌هایی دارد برای ملت تاجیک، برای تاجیکستان» (ص ۴۱۷ - ۴۱۸).

با نظر داشت اهمیت علمی و اطلاعاتی تحقیق دکتر منصور باباخائف، و توجه پژوهشگران و خوانندگان ایران به روزگار برادران خود و عموماً منطقه آسیای مرکزی، امید می‌رود که این کتاب ارزشمند به رسم الخط فارسی نیز چاپ و نشر خواهد شد، ان شاء الله تعالی.



نشر قطره

نشر قطره منتشر کرده است:

معرفی و شناخت
سهراب سپهری
شهناز مرادی کوچی